

کشتار طبقاتی کارگران در ایران، در پناه غزه و حماس – نادیده انگاری

فاجعه از سوی «چپ»

بدون گام عملی برای شرکت در سازمانیابی
استثمار شونندگان، به هدف سرنگونی انقلابی،
صدور بیانیه، توجیه فرمال و بی عملی است.

دفاع انقلابی و انترناسیونالیستی

از خلق زیر ستم طبقاتی و

ملیتی فلسطین، نگرش طبقاتی

و تحلیل جنگ و تلاش برای

سازمانیابی شورایی استثمار

شونندگان در خاورمیانه است.

در ایران زیر پای خونخواران سرمایه بر تابلو هر محیط کار و کارگری باید نوشت:

«کارگران مشغول مرگ اند!»

در ایران، مفاک‌های سرمایه برای بلعیدن جان کارگران دهان گشوده‌اند. آوار معادن
طلا و مس و سنگ و ذغال، پرتاب از فراز ساختمان‌ها و از چوب‌بست‌های مرگ‌آفرین
به زمین سخت، مرگ در چاه‌ها و ریزش آوارها، سوختن و فروافتادن در دیگ‌های
ذوب، پرس شدن لای چرخ دنده‌ها و ماشین‌ها، برق گرفتگی و قتل‌عام‌ها در
جاده‌های مرگ، مرگ پرستاران و پرسنل بیمارستان‌های مرگ‌آفرین در نتیجه
شدت کار و ناامنی محیط کار، انفجار کپسول‌های اکسیژن و گاز، شلیک‌های

مستقیم تک تیراندازان حکومتی بر قلب کولبران و سوخت‌بران، به دارآویختن کارگران در زندان‌ها و تیمارستان‌ها و شکنجه و خودکشی شدن کارگران و فعالین کارگری و خانواده‌های کارگری، خوراندن و تزریق داروهای ترکیبی و ترور بیولوژیک، کشتار در خیابان‌ها و... مرگبارتر از غزه، اگر این فاجعه و نسل‌کشی نیست، پس چیست!؟

آمار منتشر شده در روزنامه شرق وابسته به جناح‌های حکومتی، بیانگر آنست که در سال گذشته، کارگر بر اثر افتادن از بلندی، ۲۴۶ تن با «اصابت جسم سخت»، ۱۵۵ تن با «برق‌گرفتگی»، ۶۵ تن با «سوختگی» و ۳۵ تن به دلیل «کمبود اکسیژن» جان باخته‌اند.

روزنامه «شرق» در گزارشی در شماره روز پنجشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۲، از میزان مرگ و میر ناشی از حوادث کار نوشت، که مرگ بیش از یک هزار تن در شش ماهه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، افزایش ۱۵.۷ درصدی داشته است.

آشکار است که آمارهای پزشکی قانونی و وزارت کار سرمایه و رسانه‌های حکومتی بسیار با هم متفاوت بود و نیز چندین برابر کمتر از رقم واقعی در سراسر ایران هستند که هرگز گزارش نمی‌شوند.

بنا به گزارش رسانه‌ی اعتماد، نزدیک به باند حکومتی «اصلاح طلبان» از «ابتدای سال ۱۴۰۱ تا خرداد امسال دست‌کم ۱۲ تجمع اعتراضی کارگران معادن در ایران بر پا شده است که ۱۰ موردش مربوط به دست‌مزد بوده است...» این واکنش طبقاتی در برابر فاجعه‌ی طبقاتی است. این رسانه، پیرامون «استثمار» کارگران

معادن می افزاید؛ علاوه بر حوادث منجر به مرگ، شامل ناامنی شغلی آنان نیز می‌شود.



بنا به آمار تجار نیوز، در سال ۱۴۰۲: ۲۱۵۵ کارگر در نتیجه حوادث محیط کار، جان باختند که ۴۶٪ سقوط از بلندی، ۲۲٪ برخورد جسم سخت، ۱۰٪ برق گرفتگی، ۸٪ سوختگی و ۱۴٪ دیگر موارد بودند. در این گزارش، شمار مصدومان ۲۷۳۷۷ بیان شده است. بدون شک با توجه به شرایط مرگبار درمان و رسیدگی‌های پزشکی و نبود دارو، بیمه و نپذیرفتن کارگران محروم از دفترچه‌های بیمه و پول.. بسیاری از مصدومان جان باخته‌اند.

بنا به این گزارش، «در ۲۷ ماه اخیر هزاران کارگر معادن زغال‌سنگ، مس، سنگ‌آهن و کروم در استان‌های کرمان، مازندران، یزد، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سمنان بین چند ساعت تا چند هفته تجمع اعتراضی بر پا کردند.

محور مشترک بیش از ۸۲ درصدشان (درخواست) افزایش مزد و تعویق چندماهه در پرداخت دستمزدهایشان است... و هر سال شمار کارگرانی که با قراردادهای یک‌ماهه، سه‌ماهه، سفید امضا و با سفته‌گذاری و تعهد به سکوت در معادن خصوصی به کار گرفته شده‌اند، افزایش می‌یابد.»

خبرنگار این روزنامه از حادثه «زمستان یورت» یاد کرده که: «نماد مظلومیت کارگران معدن» نام گرفت. روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ انفجاری در معدن زغال‌سنگ زمستان یورت در استان گلستان و در عمق هزار متری زمین رخ داد که به مرگ ۴۳ کارگر انجامید که هیچ‌کدام نه بیمه داشتند و نه قرارداد کار. خبرنگار این رسانه افزود: «در زمان انفجار، هیچ کدام از کارگرانش بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور نداشتند و ماه‌ها بود که حقوق نگرفته بودند؛ بعد از انفجار معدن، جسدشان یک‌جا به خاک سپرده شد.» گزارشگر این رسانه با اشاره به: «لاپوشانی آماري وزارت کار» نوشت: «این آمار به معنای مرگ دست‌کم پنج کارگر در هر روز سال است.»

صدها معدن مرگ آفرین، با کارگران بدون برخورداری از کوچکترین پوشش قانون کار خود سرمایه و اسلام حکومتی، بدون کوچکترین شرایط ایمنی و آموزش کار در شرایط فاجعه‌بار، همگی در تیول سران سپاه تروریست و شرکای حکومتی آنها، برای قتل‌عام کارگران دهان گشوده‌اند. معادن متروکه و غیرمجاز کرومیت در کرمان

و معادن سنگ در سمنان و یورت و شازند... تنها نمونه‌هایی از قتلگاه‌های سرمایه‌داران و حکومت اسلامی‌اشان به شمار می‌آیند.

از جمله عوامل قتل عام کارگران در ایران :

۱- نپرداختن دستمزدهای پرداخت نشده، ایجاد استرس، نگرانی از غم نان شب و سرپناه، جنایتی است که به طور سیستماتیک مرگ جمعی و خانواده کارگران را رقم می‌زنند.

۲. نبود ایمنی محیط کار و بهداشت شغلی

۳. شرایط کاری خطرناک و نامناسب و افزایش زمان کار

۴. افزایش شدت کار و فشار زمانی و در نتیجه، کاهش تمرکز

۵. تغییرات در ساختار اقتصادی و صنعتی

۶. نبود آموزش‌های ضروری و حیاتی کار و نبود نظارت

۷. نبود قرارداد کار، بیمه و دیگر حداقل‌های موازین استثمار

۸. فقر مطلق در نتیجه ۶ برابر زیر خط فقر بودن دستمزدهای تحمیلی

سه جانبه‌ی دولت- کارفرما- ستاد شوراهای اسلامی کار (خانه کارگر)

،

بدون شک، فاجعه‌ی مرگ و میر کارگران در نتیجه‌ی شرایط مرگباری است که حکومت باندها در ایران، کارگزاری آنرا به نیابت از سرمایه‌داران و حاکمیت خویش

وظیفه مند شده‌اند. این یک قتل‌عام است، مرگبارتر از جنگ در غزه، که به سود دست اندرکاران و نیابتی‌های آنان اعم از حماس، جهاد اسلامی و اخوان و حزب الله و خاخام‌های آدمخوار حاکم در اسرائیل، جاری است.

آن یکی جنگی است به سود جنگ افروزان و این یکی جنگی است از سوی سرمایه، که «چپ» معیوب و محور مقاومتی، عامدانه و متاسفانه «چپ رادیکال» به طور کلی آنرا نادیده می‌گیرد.

عباس منصوران

۳۱ خردادماه ۱۴۰۳/۲۰ ژوئن ۲۰۲۴